بررسی حقوقی تاثیر مالیات بر سرمایه گذاری خارجی

ولی رستمی[1]

وحید اسدزاده[2]

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۱۲، تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۳

چکیده

این پرسش که مالیات تا چه حد بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر می‌گذارد، موضوع بسیاری از تحقیقات بوده و پاسخ‌های ارائه شده به آن با یکدیگر متفاوت می‌باشند. بعضی تحقیقات به‌طورکلی تأثیر نظام مالیاتی را درنظر گرفته و برخی به بررسی مالیات خاصی پرداخته (به خصوص مالیات بر درآمد شرکت‌های تجاری) و بعضی نیز به انگیزه‌های مالیاتی برای اهداف ویژه توجه کرده اند. بسیاری از کشورهای جهان به واسطه عدم تکافوی منابع داخلی تمایل شدیدی به جذب سرمایه گذاری خارجی پیدا کرده اند. مهمترین مانع پیش‌روی گسترش سرمایه گذاری خارجی وقوع مالیات مضاعف در جریان فعالیت‌های اقتصادی بین‌المللی است، به همین دلیل راهکارهای متعددی برای اجتناب از آن در نظام مالیاتی بین‌المللی اندیشیده شده است. روش‌های پرهیز از اخذ مالیات مضاعف به راهکارهای یک جانبه و دو جانبه تقسیم می‌شود. در میان راهکارهای یک جانبه، روش معافیت و روش اعتبار مالیاتی از مقبولیت بیشتری برخوردارند، که تاثیر مثبتی در تشویق سرمایه گذاری خارجی داشته اند. منظور از راهکارهای دو جانبه نیز، موافقتنامه‌های دوجانبه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف هستند که مابین کشورهای جهان منعقد گردیده وغالبا از الگوهای UN و OECD پیروی نموده‌اند. در گسترش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کارایی موافقتنامه‌های مالیاتی (دوجانبه) نسبت به موارد یک جانبه بیشتر محل بحث و اختلاف است.

واژه‌های کلیدی: مالیات، سرمایه‌گذاری خارجی، اجتناب از اخذ مالیات مضاعف، موافقتنامه‌های مالیاتی

۱. دانشیار گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد اصفهان (نویسنده مسئول) vahid.asadzadeh1393@gmail.com

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-06-21]

۱- مقدمه

دیگر دوران رویارویی با سرمایه‌گذاری خارجی و نفی آن به سر آمده و بیشتر بحثها دور این مساله می چرخد که از چه راه‌هایی می‌توان سرمایه‌های خارجی را برای کشور جذب کرد. سرمایه گذاران خارجی به‌ویژه شرکت‌های فرا ملی برای ارتقای سطح رقابت پذیری و کسب سود بیشتر، علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در مناطق مستعد و مزیت‌دار شده‌اند. در شرایط نوین اقتصاد جهانی، سرمایه‌گذاری خارجی نقش بسیار مهمی بازی می‌کند. با گسترش حجم سرمایه‌گذاری خارجی و فعالیت اقتصادی در مرزهای ملی و مناطق آزاد بر اهمیت و نقش نظام مالیاتی کشورها افزوده شده است. به همین دلیل سرمایه‌گذاران قبل از هر اقدامی باید با دقت در مورد ساختار نظام مالیاتی کشور میزبان، انواع مالیاتهای تحمیلی در آن کشور و مشوق‌های متنوع مالیاتی به تحقیق و ارزیابی بپردازند. به این ترتیب عوامل مالیاتی در انتخاب محل مناسب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر می گذارد. باتوجه به آثار سوء وقوع مالیات مضاعف بر سرمایه‌گذاری خارجی چه از نظر حقوق مالیاتی و چه از دید حقوق سرمایه‌گذاری، اغلب کشورها موافق حذف این معضل می‌باشند. وقوع مالیات مضاعف باعث افزایش ناعادلانه هزینه تحمیلی بر فعالیت سرمایه‌گذاران و همچنین کاهش قدرت رقابتی آنها و نهایتا کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود. در ادبیات حقوقی به مسائل مالیاتی توجه کمتری شده است و از طرفی بررسی ارتباط حقوق مالیاتی با مباحث سرمایه‌گذاری تاحدی مغفول مانده است. واقعیت این است که بررسی مالیات مضاعف بین‌المللی و روش‌های اجتناب از آن با توجه به تأثیر مستقیمی که بر جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی[1] دارد بسیار ضروری است. در این مقاله سعی شده به این سوالات پاسخ داده شود: آیا اجتناب از اخذ مالیات مضاعف تاثیری بر سرمایه‌گذاری خارجی بر کشور میزبان سرمایه می‌گذارد؟ معاهدات مالیاتی چه تاثیری بر سرمایه‌گذاری خارجی دارند ؟ آیا این موافقتنامه‌ها در مجموع در ارتقاء حجم سرمایه‌گذاری خارجی مؤثر بوده اند ؟ آیا می توان به نوعی یک مشوق کارآمد در افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشت ؟

۲- شرایط جذب سرمایه گذاری خارجی

امروزه منابع انسانی و نیروی کار متخصص، ماهر و ارزان از عوامل مهم جذب سرمایه‌گذاری خارجی هستند. دسترسی به نیروی کار به معنای فراوانی نیروی کار نیست، بلکه هزینه پایین نیروی کار در سنجش با بهره‌وری مدنظر است. منابع طبیعی به عنوان مهمترین عامل ورود سرمایه‌گذاری خارجی مدنظر است.

۱. عنوان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مقابل مفهوم سرمایه‌گذاری غیرمستقیم یا پورتفولیو قرار دارد. بر طبق تعریف ارائه شده توسط کمیسیون سازمان ملل در زمینه تجارت و توسعه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عبارت است از دست‌یابی به منافع بلندمدت در یک بنگاه اقتصادی که توام با کنترل و مدیریت مؤثر باشد. در حالی که سرمایه‌گذاری غیرمستقیم معمولا از طریق خرید سهام یا اوراق قرضه صورت می‌گیرد .

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-06-21]

در این عامل، مهم ترین ملاک در دسترس بودن و قیمت و فراوانی آن است. اندازه بازار نیز از دیگر ملاک‌هاست. هرچه بازارهای داخلی گسترده تر باشد شرکت‌های بیشتری را جذب خود خواهد نمود. فرار از مالیات سنگین در کشورهای صنعتی، یکی از دلایلی است که موجب تشویق سرمایه‌گذاری در کشورهای رو به توسعه شده است.

ریسک سیاسی نیز عامل مهمی در ایجاد محیط مناسب برای سرمایه‌گذاری خارجی است. بی ثباتی سیاسی سبب افت چشمگیر ورود خارجیان و سرمایه آنها می‌شود (حسین زاده بحرینی، ۱۳۸۳: ۱). هر چه کشوری از امکانات گسترده‌تری برای کاهش هزینه‌های تولید برخوردار باشد و سطح تکنولوژی بالاتری داشته باشد، جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به آن کشور بیشتر خواهد بود. در واقع علت اصلی، ورود حجم بالایی از این نوع سرمایه به کشورهای توسعه یافته، وجود شرایطی از جمله سیاست گذاری اقتصادی، ساختار اقتصادی، عوامل تشویقی و حمایتی، و عوامل سیاسی در این کشورها می‌باشد. استفاده از سرمایه‌های خارجی به شکل سرمایه‌گذاری خارجی و وام اعتبار از نظر عملکرد در کشورهای در حال توسعه مورد توجه محققان بوده است. بعضی آن را مفید و برخی آن را برای کشورهای در حال توسعه مضر می‌دانند. جریان‌های سرمایه بسته به نوع و عوامل محرکشان، اقتصاد کشورهای میزبان را متأثر می‌کنند. در نتیجه عوامل مؤثر در جذب سرمایه را می‌توان به چهار بخش طبیعی، اقتصادی، حمایتی و تشو یقی، و عوامل سیاسی دسته‌بندی نمود (داوودی و شاهمرادی، ۱۳۸۳ :۵).

۲-۱- وضع مالیات در داخل کشور میزبان سرمایه‌گذاری خارجی

وضع مالیات، به‌خصوص مالیات بر درآمد شرکت‌های تجاری، بر سود خالص موجود برای توزیع یا سرمایه گذاری مجدد تأثیر می‌گذارد. این موضوع احتمالاً نشان‌دهنده آن است که نرخ‌های زیاد مالیات در کشور باعث ترغیب شرکت‌های تجاری در سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهایی می‌شوند که نرخ مؤثر مالیات درآن‌ها کمتر می‌باشد. هرچند اکثر کشورها برای وضع مالیات بر سودهای منبع خارجی شرکت‌های فرا ملی خود با توجه به اعتبار برای مالیات پرداخت شده در کشور میزبان از قدرت ویژه‌ای برخوردار می‌باشند. بنابراین اصولاً کل مالیات بر سودهای منبع خارجی مانند سودهای داخلی در سطح مشابهی افزایش یافته و لذا هرگونه انگیزه مالیاتی برای سرمایه‌گذاری خارجی از بین می‌رود. با این حال شواهدی وجود ندارد که نشان دهد نرخ‌های زیاد مالیات بر سود در داخل کشور تأثیر قابل توجهی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری در خارج از کشور دارد. از آنجا که انواع خاصی از مالیات، بر هزینه‌های تولید اثر می‌گذارند، ممکن است این انتظار وجود داشته باشد که سطوح زیاد وضع مالیات نامعقول در داخل کشور به‌خصوص در مورد دستمزدها

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-06-21]

و مشارکت‌های تأمین اجتماعی عاملی در اتخاذ تصمیمات برای انتقال تولید به سایر کشورهایی است که در آن‌ها هزینه‌ها پایین‌تر می‌باشند. این انتقال تولید معمولاً به دلایل هزینه‌ای صورت می‌گیرد تا دلایل مالیاتی، اما مالیات بخشی از آن هزینه را تشکیل می‌دهد (همان منبع). همانطورکه در بالا اشاره گردید، مؤلفه‌های مالیاتی به ندرت عامل اصلی در تصمیم گیری برای سرمایه‌گذاری در خارج از کشور به حساب می‌آیند، اما هنگامی که این تصمیم گرفته می‌شود نقش مهمتری در انتخاب واقعی مکان مورد نظر ایفاء می‌کند. همچنین رابطه وضع مالیات در کشور میزبان تا حد بسیار زیادی به این موضوع بستگی دارد که آیا سرمایه‌گذاری مبتنی بر بازار است یا منبع گراست.

مؤلفه‌های وضع مالیات دارای حداقل تأثیر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مبتنی بر بازار می‌باشند مگر آن که مالیات کشور میزبان به طور نامعقولی سنگین باشد. همچنین مالیات‌هایی که بر هزینه تولید تأثیر می‌گذارند برای رقبای داخلی و سایر شرکت‌های فرا ملی درنظرگرفته شده و معمولاً به مشتریان انتقال داده می‌شوند. احتمالاً مالیات بر سود نیز به مشتریان انتقال داده می‌شود. در بعضی از شرایط ممکن است آن‌ها وضع مالیات باقی‌مانده در داخل کشور را نیز کاهش دهند. این بدان معنا نیست که مالیات کشور میزبان به کلی بی‌اهمیت می‌باشد. در صورتی که بتوان از مالیات باقیمانده در داخل کشور اجتناب نمود (که معمولاً نیز این کار صورت می‌گیرد)، نرخ‌های کمتر مالیات بر درآمد شرکت‌های تجاری در کشور میزبان به معنای سودخالص‌تر موجود برای توزیع یا سرمایه‌گذاری مجدد خواهد بود. درعوض، هنگامی که نرخ کشور میزبان بیشتر از نرخ داخل کشور می‌باشد به معنای آن است که نرخ بیشتر باید پرداخت شود. در نتیجه در صورت برابر بودن سایر عوامل، معمولاً سرمایه‌گذاری در کشورهایی که دارای مالیات کمتر هستند، دارای نفع بیشتری می‌باشد. این موضوع به‌طورگسترده پذیرفته شده است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منبع‌گرا، یا مبتنی بر صادرات نسبت به بار مالیاتی کشور میزبان در مقایسه با سرمایه‌گذاری مبتنی بر بازار دارای حساسیت بیشتری می‌باشد. نه تنها آن دسته از مالیات‌هایی که مستقیماً بر هزینه تولید تأثیر می‌گذارند در قیمت محصولات یا خدمات صادراتی منعکس می‌گردند، بلکه بار مالیات بردرآمد شرکت‌های تجاری نیز در واقع برای خارج از کشور در نظرگرفته می‌شود و به ظاهر مؤلفه‌های مالیات برای شرکت‌های صادرکننده خدمات و سپس شرکت‌های تولیدکننده برای صادرات دارای بیشترین اهمیت می‌باشند و برای شرکت‌هایی که در بخش منابع طبیعی قرار دارند از اهمیت کم‌تری برخوردار می‌باشند. این تفاوت نشان دهنده پویایی نسبی سرمایه‌گذاری و طیف گسترده انتخاب مکان‌های امکان پذیر جهت سرمایه گذاری می‌باشد. جدا از نرخ مالیات، دو عامل مرتبط با مالیات نیز وجود دارد که احتمالاً در نظرگرفته می‌شوند:

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-06-21]

اول آن‌که شرکت‌های فرا ملی ترجیح می‌دهند درکشورهایی سرمایه‌گذاری نمایندکه به منظور اجتناب از مالیات مضاعف احتمالی با آن‌ها معاهدات مالیاتی منعقد کرده‌اند. وجود چنین معاهداتی به ندرت یک عامل تأثیرگذار به شمار خواهد آمد، اگرچه معاهدات مالیاتی که به‌خصوص مشخصه‌های مطلوبی دارند معمولاً باعث ایجاد شرکت‌های واسطه بین کشور میزبان وکشور سرمایه‌گذار می‌شوند. دوم آن که کیفیت اجرای مالیات کشور میزبان احتمالی،گاهی اوقات یک مؤلفه به شمار می‌آید. عواملی مانند عدم قطعیت، ابهام، تغییرات بسیار مکرر در تدوین و تصویب قانون، ناهماهنگی در تفسیر و کاربرد، مقامات فاسد، جریمه‌های بیش از حد می‌توانند باعث ایجاد تفاوت‌های بسیار زیادی در سرمایه‌گذاری شوند.

عامل دیگری که معمولاً نادیده گرفته می‌شود آنست که سهم زیادی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به شکل سرمایه‌گذاری مجدد یا ملحقات به سرمایه‌گذاری موجود صورت می‌گیرد. احتمالاًوضع مالیات نقش عمده‌ای در تصمیم‌گیری اولیه برای سرمایه‌گذاری در یک کشور خاص ایفاء نمی‌کند اما ممکن است تأثیر مهمی برتصمیمات برای سرمایه‌گذاری مجدد یا افزایش آن داشته باشد. بنابراین معمولاًاز مجریان تجاری این اظهار نظر شنیده می‌شود که (اگر می‌دانستیم تا چه حد سرمایه‌گذاری در این کشور دشوار است هرگز به اینجا نمی‌آمدیم). در میان دلایلی که معمولاً بر این نارضایتی در مورد شرایط کشور میزبان مطرح می‌شود می‌توان به قوانین ناهماهنگ مالیاتی و به طورکلی بار مالیاتی بیش از حد اشاره نمود. بی‌تردید این عامل دارای تأثیر قابل توجهی بر برنامه‌های سرمایه‌گذاری آتی می‌باشد.

در نتایج اکثر تحقیقات صورت گرفته قبل از سال ۱۹۹۰ دیده می‌شود که وضع مالیات مؤلفه نسبتاً جزئی در اکثر تصمیمات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوده است. تحقیقات جدیدتر حاکی از آن است که وضع مالیات عامل مهمی می‌باشد که اهمیت آن رو به افزایش است. سایر موانع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی رو به کاهش است. عوامل که باعث می‌شود اهمیت موانع باقیمانده افزایش یابد عبارت‌اند از: اول آن که وضع مالیات همواره به عنوان عاملی در تصمیمات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی درنظرگرفته شده است، سایر عوامل برابر درنظرگرفته می‌شوند. دوم آن که فرایند جهانی‌سازی توسط افزایش زیاد تولید بین‌المللی مشخص می‌شود، در این صورت تولید بیشتر صادراتی شده و همچنین نسبت به تفاوت‌های مالیات حساس‌تر می‌شود. سوم آن که ایجاد بازارهای مشترک و نواحی تجاری آزاد دارای تأثیر مشابهی بوده، و باعث ساده‌تر شدن عرضه به تعدادی از بازارهای ملی از یک مکان شده و درعین حال باعث کاهش تفاوت‌های بین سایر عواملی می‌شود که برتصمیمات سرمایه‌گذاری تأثیرمی‌گذارند (امام ،۱۳۷۳: ۲۶۸).

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-06-21]

۲-۱-۱- معافیت‌های مالیاتی برای سرمایه‌گذاری خارجی:

آنچه از دیدگاه سرمایه‌گذار واجد بیشترین اهمیت می‌باشد معافیت‌های مالیاتی است که مطابق قوانین کشور سرمایه–پذیر به وی اعطا می‌شود. البته ثبات در میزان مالیات نیز یکی از معیارهایی است که در محاسبات سرمایه‌گذار دخیل می‌باشد. بنابراین هنگامی که کارشناسان اقتصادی می‌خواهند منافع مالی ناشی از سرمایه‌گذاری را مورد محاسبه قرار دهند، به یکی از عوامل کلیدی موثر در محاسبه، یعنی میزان مالیات، نیاز دارند. اگر در کشوری ثبات قانونگذاری موجود نباشد و نوسانات مالیاتی امری عادی تلقی شود، امکان انجام محاسبات مزبور از میان خواهد رفت و سرمایه‌گذاری منتفی خواهد شد (امام،۱۳۷۳: ۲۵۸-۲۵۷)

۲-۲- رویکرد ایران درخصوص مالیات بر سرمایه‌گذاری خارجی

از آنجایی که بازدهی خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی متأثر از نظام مالیاتی کشورهای میزبان است و این نظام بر انگیزه مبادرت به سرمایه‌گذاری اثر می‌گذارد، لذا بررسی دقیق قوانین و مقررات مالیاتی می‌تواند ما را در ارائه تحلیل وضع تجاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و شناخت انگیزش‌های حاصل از معافیت‌ها و تسهیلات مندرج در این قوانین توانا نموده و یاری نماید. مسلماً این انگیزش‌ها می‌توانند اجرای طرح‌های زیربنایی توسط سرمایه‌گذاران خارجی را سودآورتر جلوه داده و آن‌ها را به این امر ترغیب نماید. سیاست‌های مالیاتی کشور که به طور حتم بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در داخل کشور مؤثر هستند از جمله؛ عدم کارایی قانون مالیات‌های مستقیم سال ۱۳۶۶ در رابطه با تشویق و جهت دهی به سرمایه‌های داخلی و خارجی به بخش تولید از آنجا ناشی می‌شد که این قانون فقط با هدف افزایش درآمدهای مالیاتی تهیه و تنظیم و تصویب شده بود. گرچه در بخشی از آن معافیت‌هایی برای واحدهای تولیدی پیش بینی شده بود لیکن شرایط برخورداری از معافیت‌ها و مکانیزم‌های پیش بینی شده تا حد زیادی به شکل پیچیده ای طراحی شده بود و عملاً امکان استفاده از معافیت غیرممکن می‌شد. لذا قانون مالیات‌های مستقیم در سال ۱۳۸۱ و۱۳۹۴[۱] اصلاح شد و شرایط واقع بینانه‌تری را برای سرمایه‌گذاری مهیا نمود. در اصلاحیه اخیر سعی بر آن بوده است که مالیات‌ها نه تنها کمترین اثر منفی بر انتظارات سرمایه‌گذاران از سودآوری سرمایه‌گذاری آن‌ها داشته باشد، بلکه سرمایه‌گذاری در امور تولیدی از انگیزه‌های مالیاتی مؤثری برخوردار گردد (همان منبع).

اساس مالیات در ایران همواره بر درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی استوار است و از آنجا که مشارکت‌های ایرانی – خارجی مطابق قوانین کشوری به ثبت می‌رسند و در حقیقت شخصیت حقوقی ایرانی محسوب

۱. این قانون در سال ۱۳۹۴ در مجلس شورای اسلامی اصلاح گردید و در سال ۱۳۹۵ اجرایی شد .

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-06-21]

می‌شوند، لذا نحوه برخورد قانون مالیات‌ها با این شرکت‌ها همانند برخورد با شرکت‌های ایرانی است. هر شرکتی که در ایران به ثبت رسیده می‌بایست مراحل پرداخت مالیات‌ها را طی نماید.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تابع عواملی از قبیل نرخ بازگشت سرمایه، باز بودن اقتصاد، زیرساخت‌ها، رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری داخلی، منابع طبیعی، سرمایه انسانی، تورم، نرخ ارز، بدهی خارجی، وضع مالی دولت، مالیات، اندازه بازار، حقوق سیاسی و نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی می‌باشد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که منابع طبیعی موجود، سرمایه انسانی و زیرساختها به صورت مستقیم و معنادار بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران مؤثرند، همچنین متغیر حقوق سیاسی و متغیر موهومی انقلاب اسلامی نیز به صورت معکوس و معنادار بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران تأثیر داشته‌اند. عامل باز بودن اقتصاد تأثیر مثبت و بی معنا و عامل نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی نیز تأثیر منفی و بی معنایی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران دارد (شاه آبادی و محمودی).

۲-۲-۱- موانع سرمایه‌گذاری خارجی در ایران

این موانع را می‌توانیم به دو بخش تقسیم کنیم: الف- موانع خارجی و ب- موانع داخلی. موانع خارجی از کنترل ما خارج هستند به‌طور مشخص در رابطه با ایران موانع خارجی به تخاصمات سیاسی مربوط می‌شود و البته این موانع می‌توانند به اقدامات رقابتی در جذب سرمایه‌های خارجی نیز مربوط باشند و حتی وجود شرایط اقتصادی بهتر درخارج از مرزهای کشورکه منابع را به خود جلب می‌کنند می‌توانند مانع از توجه سرمایه‌گذاران به ایران باشند، تحریم اقتصادی که علیه ایران برقرار شد یک دور از تحریم‌های خارجی بود که سرمایه‌گذاری خارجی در ایران را نیز متأثر می‌کرد.

۲-۲-۱-۱- موانع داخلی سرمایه‌گذاری خارجی

در بررسی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول شاخص سرمایه‌گذاری در ایران چندان مناسب نمی‌باشد و به همین علت با وجود تحرک سرمایه‌گذاران خارجی برای مشارکت در طرح‌های نفتی و گاز و پتروشیمی هنوز سرمایه‌گذاران خارجی عملیات واقعی قابل توجهی را انجام نداده‌اند. وضعیت ریسک داخلی هنوز مبهم است. با کاهش درآمدهای نفتی ریسک نکول افزایش می‌یابد. با ایجاد تورم شدید اشتیاق کمتری به سرمایه وجود دارد و با بسته بودن حساب سرمایه ریسک کاهش ارزش دارایی‌ها به پول کشور بالا می‌رود. افزایش نرخ‌های بهره در کشورهای درحال توسعه درکشور ما نمی‌تواند به عنوان ابزار جذب سرمایه‌های خارجی مطرح باشد، چرا که اصولا ما هنوز در سیستم ملی خود نتوانسته‌ایم مسئله نرخ بهره را حل کنیم و از این ابزار در سیاست‌گذاری استفاده شایسته‌ای نمی‌شود. سیاست‌های اقتصادی کشور بسیار ناپایدار هستند و در

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-06-21]

بسیاری از موارد اساسی هدف و سیاست‌گذاری روشنی وجود ندارد. موارد زیادی در اقتصاد وجود دارد که ما برنامه و هدف مشخصی درباره آن‌ها نداریم. به دلیل رشد منفی و یا ضعیف اقتصادی و افزایش تورم اندازه بازار کوچک‌تر می‌شود این برای جذب سرمایه‌گذاری‌هایی که هدف آن ورود به بازار داخلی است یک عامل منفی تلقی می‌شود. هرچند ما در مواردی دارای مزیت‌های محل هستیم مانند قرار گرفتن در بین راه آسیای میانه و خلیج فارس و یا دسترسی به آبهای آزاد و وجود منابع طبیعی و درست به همین دلیل وجود منابع طبیعی نیز سرمایه‌گذاران جذب بخش نفت شده‌اند اما به علت کمبود نیروی کار ماهر در جذب سرمایه‌گذاری خارجی با مشکل مواجه هستیم. اینکه آیا هزینه‌های تولید در ایران به نسبت دیگر کشورهای رقیب پایین است یا بالا بستگی به نوع سرمایه‌گذاری دارد و بایستی در این مورد تحقیق جامعی صورت گیرد، ولی آنچه مسلم است سرمایه گذاران برای شروع کارخود بایستی زمان طولانی را درکشورمان صرف کنند. رشد اقتصادی ضعیف از عواملی بوده که افق سرمایه‌گذاری را برای سرمایه‌گذاران خارجی ناخوشایند جلوه می‌دهد. از طرفی در شرایط رشد پایین، سرمایه‌گذاران داخلی کمتر حاضر به مشارکت با خارجیان خواهند بود (خاتمی ،۱۳۷۶). مهمترین دلایل عدم جذب سرمایه‌های خارجی، حساب سرمایه و حساب جاری تحت کنترل و شاخص‌های نه چندان قوی اقتصادی است. به نظر می‌رسد درکشورهایی که این موانع رفع شده‌اند، آنها بیشتر مورد توجه سرمایه گذاران خارجی قرار گرفته‌اند.

۲-۳- مالیات مضاعف و سرمایه‌گذاری خارجی

یکی از اصول اساسی در حقوق مالیاتی، اصل عدالت مالیاتی می‌باشد که دولتها باید براساس تعهدات بین المللی خود جوانب عدالت و مساوات را پاس بدارند و از اقدامات تبعیض آمیز پرهیز کنند. اخذ مالیات مضاعف از سرمایه‌گذاران با عدالت مالیاتی در تنافی می باشد (جانفدا، ۱۳۸۹ :۶۱). معمولاً گفته می‌شود که هدف از نظام بین‌المللی اطمینان از آن است که فقط یکبار مالیات بردرآمد بین‌المللی تعلق گیرد و نه دوبار. در شرایط سرمایه‌گذاری خارجی (مستقیم یا پورتفولیو) این به معنای آن است که سرمایه‌گذاری در خارج از کشور نباید وسیله‌ای برای اجتناب از پرداخت مالیات فراهم آورد و همچنین نباید توسط مالیات بیش از حد جریمه شود.

در شرایط عملی این موضوع به معنای آن است که هنگامی که کشور (الف) در کشور (ب) سرمایه‌گذاری می‌کند، کل بار مالیات بردرآمد سرمایه‌گذاری حاصله نباید کمتر از بار مربوط بر درآمد داخلی در کشور دارای مالیات کمتر بوده و همچنین نباید بیشتر از آن درکشور دارای مالیات بیشتر باشد به عنوان مثال اگر کشور (الف) مالیات بر در آمد آن نوع را با نرخ ۴۰ درصد و کشور(ب) با نرخ ۳۰ درصد در نظر بگیرند، کل

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-06-21]

مالیات بر درآمد خارج از کشور باید بین ۳۰ و ۴۰ درصد باشد شاید بعضی از مفسران فراتر از این مقدار رفته و تاکید کنند که مالیات بر درآمد باید بیشتر از این دو نرخ باشد، در واقع بار مالیاتی واقعی معمولاً خارج از این طیف پذیرفته شده قرار می‌گیرد (پیرنیا ،۱۳۵۵ :۱۱۱). کشورها معمولاً ادعا می‌کنندکه صلاحیت و حق اجرای وضع مالیات بردرآمد بر دو اساس محل اقامت دریافت کننده درآمد و منبع درآمد می‌باشد، درنتیجه سه روش اصلی وجود دارد که بر مبنای آن‌ها مالیات مضاعف بین‌المللی رخ می‌دهد. درآمد توسط هر دو کشور (الف) و کشور (ب) در نتیجه یک منبع در آن کشور در نظر گرفته شود یا فرد مقیم درکشور (الف (درآمد حاصل از یک منبع درکشور (ب)را دریافت کند یا بالعکس. ممکن است مالیات مضاعف به صورت یک جانبه یا توسط کشور (الف) یا کشور (ب) یا به صورت دو جانبه با توافق بین دو کشور حذف گردد. در مورد نوع اول یعنی هنگامی که هردو کشور یک فرد را مقیم درنظر گرفته یا درآمد دارای منبع در آن کشور در نظر گرفته می‌شود تخفیف یک‌جانبه از مالیات مضاعف امکان پذیر به نظر نمی‌آید. هر چند اکنون اکثر کشورها تخفیف یک‌جانبه را در نوع مورد سوم ارائه می‌دهند یعنی هنگامی که درآمد دارای یک منبع در یک کشور توسط فرد مقیم درکشوری دیگر دریافت می‌شود حتی زمانی که هیچ معاهده مالیاتی بین دو کشور وجود ندارد. چنین تخفیفی در اکثر مواقع به شکل اعطای اعتبار برای پرداخت مالیات به کشور مقیم در کشور منبع می‌باشد. گاهی اوقات بندرت کشور مقیم انواع خاصی از درآمد را از مالیات معاف می‌کند اگر برای آن درآمد در کشور منبع مالیات درنظرگرفته شده باشد. تخفیف یکجانبه مالیات مضاعف، برخلاف بخشودگی مالیاتی کلی انواع خاصی از درآمد انباشته شده در کشورهای غیرمقیم، به ندرت از جانب کشور منبع صورت می‌گیرد (کوبتسکی، ۲۰۱۱ : ۱۸۲).

عبارت مالیات مضاعف یک عبارت گمراه کننده می‌باشد. حذف مالیات مضاعف ظاهراً به معنای آنست که به یک مالیات دهنده نباید دو بار مالیات بر درآمد (یا سرمایه) و اقلام مشابه از جانب هر دو کشور تعلق گیرد. هرچند آنچه واقعاً در اینجا حائز اهمیت می‌باشد آن نیست که، چند دفعه مالیات بردرآمد به مالیات دهنده تعلق گرفته بلکه موضوع مهم کل مقدار اعمال شده بر آن می‌باشد. در نظام مالیاتی بین المللی موجود این موضوع کاملاً عادی است که به یک مالیات دهنده و درآمد او در هر دو کشور منبع وکشور محل اقامت مالیات تعلق گیرد. در واقع اشتراک عادلانه مالیات بردرآمد حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی بین کشورهای منبع و محل اقامت از اهداف نظام مالیاتی بین المللی بوده وگاهی اوقات مستلزم آنست که هر دو کشور بر اقلام مشابهی مالیات وضع نمایند (حسینی تهرانی،۱۳۳۴: ۲۹۲).

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-06-21]

۲-۳-۱- رژیم‌های حقوقی اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد سرمایه‌گذاری خارجی

رژیم حقوقی اجتناب از اخذ مالیات مضاعف را می‌توان به دو قسمت راهکارهای یک جانبه و راهکارهای دو جانبه (موافقتنامه‌های مالیاتی) تقسیم بندی نمود. به طور کلی راهکارهای یک جانبه اتخاذ شده توسط کشورها به سه روش کسر مالیات خارجی، روش معافیت و روش اعتبار مالیاتی می‌باشد (ثورونی،۱۳۸۴: ۱۳۵۰-۱۳۶۰).

روش کسر مالیات خارجی کمتر از سایر روش‌های موجود مطلوب است. بسیاری از کشورها در آمدهای حاصل از منابع خارجی یا بعضی از آن‌ها را از پرداخت مالیات معاف می‌کنند، این روش بیشتر برای حذف مالیات مضاعف در کشورهایی که نظام مالیاتی سرزمینی دارند، استفاده می‌شود.

علاوه بر درنظر گرفتن آن دسته از معافیت‌های مالیاتی به انواع مختلف درآمد محدود به نظام مالیاتی معمولی، ممکن است دو نوع معافیت مالیاتی نیز برای حذف مالیات مضاعف ارائه گردند. طبق روش بخشودگی مالیاتی کامل، درآمدی که در کشور منبع مشمول مالیات می‌شود، به هیچ وجه در کشور محل اقامت در تعیین کل بدهی مالیاتیِ مالیات دهنده درنظر گرفته نمی‌شود. از طرف دیگر ممکن است ازروش توالی بخشودگی مالیاتی استفاده شود که طبق چنین نظامی درآمد منبع خارجی در کشور محل اقامت مشمول مالیات نشده، اما درتعیین کل درآمد دریافت کننده و بنابراین نرخ مالیات اعمال شده بر بقیه درآمد او در نظرگرفته می‌شود.

روش اعتباری مالیات خارجی پرکاربردترین روش معاهدات مالیاتی یکجانبه به حساب می‌آید. درآمد منبع خارجی درکشور محل اقامت مشمول مالیات شده اما مالیات مضاعف توسط کشورمحل با اعطای اعتبار برای پرداخت مالیات در کشور منبع اقامت حذف می‌شود که در برابر بدهی مالیاتی، مالیات دهنده مقیم باتوجه به درآمد منبع خارجی که مالیات آن پرداخت شده تعیین می‌شود. مالیات دهنده مقدار کامل درآمد منبع خارجی را در بازده مالیاتی خود درنظرگرفته و براساس آن درآمد مطابق قوانین کشور محل اقامت مشمول مالیات می‌شود (رضایی مقدم ، ۱۳۹۲ :۴۹-۵۰). نکته حائز اهمیت این است که روش اعتبار مالیاتی در حذف مالیات مضاعف، چه به صورت راهکار یک جانبه و چه در قالب معاهدات دوجانبه، بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. با اندکی توجه در ساختار راهکارهای یک جانبه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف می‌توان پی برد که روش اعتبار مالیاتی به مراتب بهتر از روش معافیت می‌باشد.

راهکار دوجانبه از جمله اقدامات بین المللی اجتناب از اخذ مالیات مضاعف می‌باشد، که به اشکال مختلف صورت می‌گیرد، و مهم‌ترین و رایج ترین آنها که بیشترین ارتباط را با سرمایه‌گذاری خارجی دارد، معاهدات

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-06-21]

دو جانبه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف[1] می‌باشند. این معاهدات از یک سو با هماهنگ ساختن تعاریف و قوانین مالیاتی کشورها از ایجاد مالیات مضاعف جلوگیری می‌کند و از سوی دیگر بر مالیات تحمیلی بر شرکتها اثر می‌گذارند، مانند مقررات معاهده راجع به استخلاص از مالیات مضاعف و مقررات راجع به کاهش نرخ مالیات‌های تکلیفی در مورد سود سهام بهره و حق الامتیاز. حتی برخی از این موافقتنامه‌ها مالیاتهای تکلیفی را در کشور منبع درآمد به صفر می‌رساند. معاهدات مالیاتی تلاش می‌کنند با استفاده از تعاریف رایج و قوانین رسمی، مالیات مضاعف را در نوع مورد اول (اقامت دو طرفه و منبع دوگانه) حذف نمایند. بنابراین الگوی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (ماده ۴) (فرد مقیم کشور مورد قرارداد) را تعریف کرده و قوانین نقض تساوی را برای حل موارد اقامت دو طرفه ارائه می‌دهد. هیچ تعریف تطبیقی در مورد کشور منبع وجود نداشته اما تعداد کمی مقررات وجود دارد که بر تعیین منبع انواع خاص درآمد تأثیر دارند و تعداد بیشتری مقررات نیز وجود دارد که به بحث در مورد صلاحیت وضع مالیات پرداخته و در واقع مانع هرگونه مشاجره با توجه به منبع دوگانه می‌شوند. به عنوان سومین و البته متداول‌ترین نوع مورد یعنی هنگامی که درآمد از یک منبع در یک کشور برای فرد مقیم در کشوری دیگر انباشته می‌شود، معاهدات مالیاتی تلاش می‌کنند مالیات مضاعف را با استفاده از موارد زیر حذف نمایند:

- تخصیص اختیار انحصاری وضع مالیات به کشورمحل اقامت؛ یا
- تخصیص اختیار انحصاری وضع مالیات به کشورمنبع، یا

هنگامی که هر دوکشور مجاز هستند مالیات وضع نمایند کشور محل اقامت باید با اعطای اعتبار برای پرداخت مالیات در کشور منبع یا با اعطای تخفیف هنگامی که برای درآمد درکشور منبع مالیات در نظر گرفته شده، بخشودگی مالیاتی از مالیات مضاعف را ارائه دهد. علاوه بر این، آن دسته از مقرراتی که نرخ مالیات تکلیفی را محدود می‌کنند که ممکن است توسط کشور منبع بر پرداخت‌های سود سهام و بهره در نظرگرفته شده باشد درحالی که در ابتدا هدف تخصیص قدرت وضع مالیات بین کشورها بوده است، که در بعضی موارد نیز به حذف (یاکاهش) مالیات مضاعف کمک می‌کنند (کوبتسکی، ۲۰۱۱: ۱۸۳).

الگوی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در ماده ۲۳A و ۲۳B انتخاب بین بخشودگی مالیاتی و اعتبار را ارائه می‌دهد. درمعاهدات مالیاتی یکجانبه، هرکدام از متعاهدین طرف قرارداد روش ایده آل خود را انتخاب می‌کند. در نتیجه نمی‌توان قراردادی را یافت که در آن یک کشور از روش بخشودگی مالیاتی استفاده نموده وکشور دیگر روش اعتبار را انتخاب کرده باشد. نظام مرکب همچنان متداول ترین نظام مورد استفاده می‌باشد که به وسیله آن بعضی از انواع درآمد در کشور منبع از مالیات معاف شده، درحالی

1. Double Taxation Treaty (DTT)

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-06-21]

که به انواع دیگر درآمد اعتبار داده می‌شود. نتیجه نهایی آن است که تعداد کمی از کشورها دارای نظام بخشودگی مالیاتی مطلق یا نظام اعتباری مطلق می‌باشند. به عنوان مثال تعداد بسیار کمتری از کشورها برای منابع منبع خارجی یا حق امتیاز یا برای سودهای سهام پورتفولیو بخشودگی مالیاتی در نظر می‌گیرند درحالی که بخشودگی مالیاتی برای درآمد حاصل از فعالیت تجاری شرکت‌ها و برای سود سهام مستقیم (یعنی سود سهام پرداخت شده بین شرکت‌های وابسته) نسبتاً رایج می‌باشد. حتی آن کشورهایی که از نظام اعتباری استفاده می‌کنند معمولاًبه صورت منظم بخشودگی مالیاتی را در تعداد کمی ازشرایط درنظرمی‌گیرند (رضایی مقدم، ۱۳۹۲ :۴۸).

۲-۴- آثار موافقتنامه‌های دو جانبه مالیاتی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

معاهدات مالیاتی چه تاثیری بر سرمایه‌گذاری خارجی دارند ؟ آیا این موافقتنامه‌ها در مجموع در ارتقاء حجم سرمایه‌گذاری خارجی مؤثر بوده اند؟ آیا می‌توان به نوعی یک مشوق کارآمد در افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشت؟ از آنجا که معاهدات باعث همکاری‌های مالیاتی بین کشورهای متعاهد می‌شوند، لذا معاهدات دو جانبه پرهیز از اخذ مالیات مضاعف یک راه رایج برای جلوگیری از سیاستهای مالیاتی است که ممکن است جریان سرمایه گذاری کارآمد و مناسب را منحرف کند، به همین دلیل بسیاری از اقتصاددانان اعتقاد دارند که معاهدات مذکور باعث افزایش سرمایه‌گذاری می‌گردد. ولی حقوقدانان سوال مهمی را مطرح می‌کنند اینکه آیا گسترش سرمایه‌گذاری در حقیقت وعمل، نتیجه اولیه این معاهدات می‌باشد؟ در مقدمه الگوی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی(OECD) آمده است. هدف اصلی الگوی موافقتنامه فراهم آوردن زمینه برای پرهیز از مالیات مضاعف بوده و این موافقتنامه ابزاری برای حل و فصل رایج‌ترین مشکلات موجود در اخذ مالیات مضاعف حقوقی بین‌المللی بر مبنای یکپارچگی است. بنابراین معاهدات از آثار زیانبار مالیات مضاعف بر مبادله آزادانه کالا وخدمات و انتقال سرمایه و فناوری می‌کاهد و نتیجتاً هنگامی که این موانع مالیاتی از سر راه سرمایه‌گذاری برداشته می‌شود انتظار می‌رود سرمایه‌گذاری افزایش یابد (بلونیجن و دیویس، ۲۰۰۹: ۴۶۱).

سوالی که مطرح می‌شود این است که باتوجه به استفاده اغلب کشورها از روشهای یک جانبه حذف مالیات مضاعف، چه نیازی به انعقاد این موافقتنامه‌ها باعنایت به اینکه معاهدات دوجانبه نیز از همان روش اعتبار و معافیت استفاده می‌کنند وجود دارد؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت که از اهداف کلی این معاهدات افزایش جریان تجارت و سرمایه‌گذاری، جلوگیری از انواع تبعیض بین سرمایه‌گذار داخلی و خارجی، فراهم کردن یک چارچوب حقوقی و مالیاتی منطقی تا فعالیت‌های فرا ملی با اطمینان خاطر صورت

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-06-21]

گیرد و همچنین ارتقاء همکاری بین مقامات مالیاتی و تبادل اطلاعات و جلوگیری از فرار مالیاتی از عوامل انعقاد این موافقتنامه‌ها می‌باشد (جانفدا، ۱۳۸۹ :۱۱۷).

در مقایسه معاهدات دو جانبه مالیاتی با موافقتنامه‌های دو جانبه سرمایه‌گذاری می‌توان گفت که، هردو نوعِ این معاهدات اهداف خاص و متفاوتی از یکدیگر دارند. معاهدات دوجانبه مالیاتی با مسائل و موضوعاتی از تخصیص و تقسیم درآمدها بین کشورها حاصل می‌شود، اما هدف اصلی معاهدات سرمایه‌گذاری حمایت وحفاظت از سرمایه‌گذاری‌هایی است که این درآمدها را ایجاد می‌کنند، هرچند اهداف اولیه دونوع معاهده مذکور متفاوت است اما مکمل یکدیگر می‌باشند و در یک مسیر در حال رشد وتکامل هستند.

۲-۴-۱- رواج موافقتنامه‌های دوجانبه مالیاتی نسبت به موافقتنامه‌های چند جانبه

با توجه به تفاوت‌های شدید ساختاری بین نظام مالیاتی کشورها در زمان بحث در کمیته جامعه بین الملل انعقاد یک موافقتنامه چند جانبه ناممکن به نظر می رسید به همین دلیل کمیته تصمیم به انعقاد موافقتنامه دو جانبه مالیاتی نمود. طرفداران موافقتنامه‌های چند جانبه معتقدند موافقتنامه‌های مالیاتی چند جانبه با حذف مانع اضافی، هرچند ممکن است بر انتخاب محل مناسب جهت سرمایه‌گذاری تاثیر منفی بگذارند ولی فضای سالم رقابت اقتصادی را تقویت می‌کنند. هنگامی که سایر ملاک‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری یکسان باشد شرکتهای چند ملیتی ممکن است سرمایه خود را به سوی کشورهایی سوق دهند که مقررات معاهداتی مالیاتی با آن کشورها بیشترین حمایت را از سرمایه‌گذاری می‌نمایند که این مساله می‌تواند منجر به رقابت مخرب مالیاتی برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شود در نتیجه موافقتنامه‌های چند جانبه می‌تواند آثار مخرب بالقوه حاصل از موافقتنامه دوجانبه را خنثی نماید و منابع تولید را در بهترین مسیر وکارآمدترین روش تخصیص دهد.

معاهده چند جانبه با ارائه تفسیر یکسان و متحدالشکل، به افزایش شفافیت و قطعیت حقوقی معاهده کمک می‌کند. در میان تعداد اندکی از موافقتنامه‌های چند جانبه منعقده تنها موافقتنامه میان کشورهای اسکاندیناوی برای پرهیز از مالیات مضاعف بر درآمد و سرمایه در سال ۱۹۸۳ نمونه عملی یک موافقتنامه چند جانبه بوده است و کاملا مطابق با موافقتنامه الگوی سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی بوده است. لازم به یاد آوری است که موافقتنامه‌های چند جانبه ای که فراگیری کمتری داشته و راجع به موضوعات خاص مالیاتی هستند، توفیق بیشتری داشته اند، مانند کنوانسیون اتحادیه اروپا راجع به حذف مالیات مضاعف در ارتباط با تنظیم درآمدهای موسسات وابسته (کنوانسیون داوری) (جانفدا، ۱۳۸۹: ۱۳۵)

در پایان این موضوع قابل بحث است که حجم قابل توجهی از قوانین و اصول مالیاتی درحال رشد است

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-06-21]

که بر اساس آنها، پیوستن کشورها به قراردادهای دوجانبه و چندجانبه صورت می‌گیرد. قراردادهای سرمایه گذاری دوجانبه هیچ تأثیری بر وضع مالیات نداشته‌اند. اکثر قراردادهای سرمایه‌گذاری دوجانبه دارای یک مورداستثناء می‌باشند و آن این است که مقررات قرارداد سرمایه‌گذاری دوجانبه از قبیل مقررات یکسان برای سرمایه گذاری خارجی وداخلی یا اصل دولت کامله الوداد نسبت به هر قانون موجود در قرارداد مالیات مضاعف در نظرگرفته شده از جانب یکی از طرفین در درجه دوم قرار می‌گیرند. بعضی از قراردادهای سرمایه گذاری دوجانبه دارای مورد استثنای گسترده تری می‌باشند به عنوان مثال الگوی آمریکایی وضع مالیات را از دامنه رسیدگی خود ارجح کرده است تاحدی که از وضع مالیات به عنوان وسیله‌ای برای مصادره استفاده می‌شود (حسیبی،۱۳۹۰).

۳- نتیجه گیری

امروزه هیچ کشوری بدون مشارکت فعال در بازرگانی بین المللی و اقتصاد جهانی نمی‌تواند به رشد و توسعه مناسبی دست یابد. بنابراین چالشی که درحال حاضر پیش روی کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ما قرار دارد این است که چگونه در این فعالیتهای بین المللی، شرکت موثر داشته باشیم.

نکته قابل اهمیت آنکه جلب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و افزایش حجم و تنوع صادرات و در نتیجه افزایش قابلیت رقابت صادرات، به خودی خود هدف نهایی نیست، بلکه وسیله ای برای نیل به هدف مهمتر یعنی توسعه کشورها می‌باشد. باتوجه به اینکه مالیات بر درآمد شرکت‌های تجاری به دلیل آن که تاحد زیادی بر مقدار سود شرکت‌های فرا ملی موجود برای توزیع تأثیر می‌گذارد، بهتر است بیشترین توجه معطوف به این قسمت شود. از آنجایی که بازدهی خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی متأثر از نظام مالیاتی کشورهای میزبان است و این نظام بر انگیزه مبادرت به سرمایه‌گذاری اثر می‌گذارد، لذابررسی دقیق قوانین و مقررات مالیاتی می‌تواند ما را در ارائه تحلیل وضع تجاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و شناخت انگیزش‌های حاصل از معافیت‌ها و تسهیلات مندرج در این قوانین توانا و یاری سازد.

احتمالاً وضع مالیات نقش عمده‌ای در تصمیم‌گیری اولیه برای سرمایه‌گذاری در یک کشور خاص ایفاء نمی‌کند، اما ممکن است تأثیر مهمی بر تصمیمات برای سرمایه‌گذاری مجدد یا افزایش آن داشته باشد. از مهم‌ترین فواید این موافقتنامه‌ها دوجانبه وچند جانبه یقین و قطعیت حقوقی است که به سرمایه‌گذاری در مورد جایگاه مالیاتی اش اعطاء می‌شود. حق نامحدود کشورها در مورد تشخیص و تحمیل مالیات در چارچوب این مقررات محدود می‌شود. آثار این قطعیت و شفافیت حقوقی در اعمال حق اخذ مالیات در کشور منبع درآمد بیشتر است. جدا از اینکه این موافقتنامه‌ها تا چه حد باعث افزایش سرمایه‌گذاری خارجی

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-06-21]

می‌شوند، معمولاً کشورها از آنها به عنوان ژست سیاسی برای نمایش تعهد و تمایل خود به حفظ حقوق مالیاتی سرمایه‌گذاری خارجی بهره می‌گیرند، همچنین با استفاده از روش‌های مختلف از فرار مالیاتی جلوگیری کرده ودرآمدهای مالیاتی را افزایش می‌دهند. مهم‌ترین نتیجه ای که می‌توان از این مباحث به دست آورد آن است که در اهمیت این معاهدات در افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نبایستی مبالغه نمود. این معاهدات یک راه حل همیشگی که بتوان از آنها استفاده کرد نمی‌باشد. بلکه در عین حال می‌توانند برای برخی کشورها سودمند باشند.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-06-21]

فهرست منابع

۱. امام، فرهاد (۱۳۷۳). حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، نشر یلدا.

۲. پیرنیا، حسین (۱۳۵۵). مالیه عمومی، انتشارات امیرکبیر.

۳. ثورونی، ویکتور. طراحی و نگارش قانون مالیاتی، ترجمه مرتضی ملا نظر، جلد ۲، سازمان امور مالیاتی کشور، ۱۳۶۴، فصل ۱۸ ص ۱۳۰.

۴. حسیبی، به آذین (۱۳۹۰). حداقل استاندارد بین‌المللی و حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۳، شماره ۳۳، صص۴۳ –۷۸.

۵. حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین (۱۳۸۳)، "عوامل مؤثر بر امنیت سرمایه‌گذاری در ایران"، فصلنامه جستارهای اقتصادی، شماره ۲، ص ۱۵۶.

۶. حسینی تهرانی، مرتضی (۱۳۳۴). اصول علم مالیه و قوانین مالی ایران، چاپ نگین.

۷. خاتمی، همایون (۱۳۷۶). بررسی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

۸. داوودی، پرویز؛ اکبر شاهمرادی (۱۳۸۳)."بازشناسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اقتصاد ایران و ۴۶ کشور جهان در چارچوب یک الگوی تلفیقی"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران (FDI)، شماره ۲۰، ص ۱۱۴.

۹. شاه آبادی، ابوالفضل ؛ عبداله محمودی (۱۳۹۰)، "تعیین کننده‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران"، جستارهای اقتصادی، سال سوم، شماره ۵، ص ۱۲۶.

۱۰. کلانتری، باقر (۱۳۷۰). متن آموزشی مالیه عمومی، تهران: دانشکده امور اقتصادی و دارایی.

۱۱. رضایی مقدم، ابوالفضل (۱۳۹۲). مقایسه شیوه های حل و فصل اختلافات مالیاتی، در موافقتنامه‌های بین‌المللی اجتناب از اخذ مالیات مضاعف ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی.

12. Brace A.Blonigen and Ronald B. Davies (2009). Do Bilateral Tax Treaties Promote Foreign Direct Investment? The Effects of Treaties on Foreign Direct Investment, Oxford University press, New York, p.461.

13. Kobetsky, Michael (2011). International Taxation of Permanent Establishment, UK, Combridge.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-06-21]

14. Tham Siew Yean (1998). Competition and Cooperation for Foreign Direct Investment: An Asean Perspective, Asia-pacific devilment Journal, Vol. 5 pp. 9-35.
15. Euromoney (1998), IMF & World Bank Issue, pp. 203 – 206.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-06-21]

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-06-21]